

بازتاب مؤلفه‌های فرهنگ مدرن در مطبوعات عصر قاجار (بررسی روزنامه‌های وقایع‌اتفاقیه و اختر)

دکتر محمدمهدی فرقانی*

مهدیه حمزه‌ئی**

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۵

چکیده

این مقاله با هدف شناخت نحوه انعکاس مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن در مطبوعات دوره قاجار (عصر ناصری)، با استفاده از چارچوب مفهومی مبتنی بر عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ، مطالعات نظری مبتنی بر نظریه‌های اشاعه نوآوری‌ها و تأخر فرهنگی، با روش تحلیل محتوای کمی، محتوای دو نشریه وقایع‌اتفاقیه و اختر را بررسی کرده است. وقایع‌اتفاقیه تنها نشریه فارسی زبان داخل کشور طی نخستین دهه حکومت ناصری (۱۲۷۵-۱۲۶۵ هـ.ق) بوده و اختر با روش قرعه‌کشی از میان نشریات موجود در سومین دهه (۱۲۹۷-۱۲۸۷

mmforghani@yahoo.com

mhamzeh7@gmail.com

* استادیار علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

** دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.

هق) انتخاب شده است. از هر نشریه، ۱۲ شماره با روش سیستماتیک انتخاب شده است. تمام داده‌ها با نرم افزار SPSS پردازش و با استفاده از آزمون کای اسکوئر رابطه میان متغیرها بررسی شده است.

نتایج نشان می‌دهد بین دو نشریه از نظر متغیرهای گوناگون، تفاوت معناداری وجود دارد؛ نخست، اگرچه بیشتر مطالب هر دو نشریه در سبک خبر تنظیم شده، گزارش در وقایع اتفاقیه و مطالب تحلیلی مانند مقاله در اختر سهم بیشتری یافته‌اند و تنوع سبک در اختر بیشتر است. دوم، محتوای مطالب وقایع اتفاقیه، بیشتر اجتماعی و در اختر، عمدتاً سیاسی است. سوم، عناصر فرهنگ مدرن در هر دو نشریه، از سهم کمی برخوردارند و عمده موارد موجود نیز عناصر مادی بوده‌اند. با این حال، در جزئیات تفاوت وجود دارد به طوری که در وقایع اتفاقیه، تجهیزات و اماکن نظامی، و در اختر، عناصر مادی در حوزه سیاست، انعکاس بیشتری یافته‌اند. در مورد پرداختن به عناصر غیرمادی فرهنگ مدرن، تنوع و تعداد این عناصر در اختر بیش از وقایع اتفاقیه است. به علاوه، هر دو نشریه در عمده مطالب خود سعی در اطلاع‌رسانی پیرامون مؤلفه‌های فرهنگ مدرن داشته و کمتر به جهت‌گیری پرداخته‌اند. با این حال، طیف جهت‌گیری نسبت به این عناصر در وقایع اتفاقیه، صرفاً خنثی یا مثبت است در حالی که در اختر، جهت‌گیری منفی و طرد برخی مؤلفه‌ها هم قابل تشخیص است.

واژه‌های کلیدی: مطبوعات، قاجار، عناصر فرهنگ مدرن.

طرح مسئله

تغییرات عمده‌ای که پس از رنسانس در جهان پدید آمد همگی محصول تجربیاتی بود که در فرهنگ و جوامع غربی صورت پذیرفت. همان تجربیات به تدریج دامنه تأثیر خود را گسترش داد و در صنعت، مسیر خود را دنبال کرد. از سوی دیگر، گسترش ارتباطات ایران در دوره قاجار، تجربه نخستین طلیعه‌های تغییرات در کشور و همسویی با جهان غرب را به دنبال داشته است. اما عدم تمایز میان عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ، وعدم

تفکیک مفاهیم تجدد و مدرنیته در این دوره، تضادهای گوناگونی را برای جامعه ما به همراه آورد. شناخت مجموعه عوامل مؤثر در این فرایند نیازمند درک شاخص‌هایی است که سراغ آن‌ها را می‌توان در مؤلفه‌های فرهنگی گرفت. چرا که تحولات همزمان و متعادل دو بخش فرهنگ می‌تواند هم در تأمین زندگی مادی و رفاه انسان‌ها و هم در کیفیت زندگی آن‌ها مؤثر باشد. به عبارت دیگر، این مؤلفه‌ها هر کدام به شکلی، در بروز و ظهور مدرنیته متناسب با یک جامعه معین تأثیرگذار هستند. در این مقاله، در پی بازخوانی نخستین رویارویی ایرانیان با دو بُعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری فرهنگ مدرن غرب برآمده‌ایم که اولین بُعد، به مظاهر مادی و تأمین‌کننده نیاز، آسایش و رفاه مادی انسان و جنبه دیگر آن، به ارتقای کیفیت معنوی زندگی او دلالت دارد. هدف آن است که از این طریق، زاویه ورود و نخستین جهت‌گیری‌ها را نسبت به مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ جدید بشناسیم.

از آن روی که مطبوعات، به مثابه یکی از نخستین وسایل ارتباط جمعی، از ابزارهای شناخت، معرفی، تبیین و اشاعه موضوعات و مفاهیم جهان نو هستند، این رسانه را برای تحلیل برگزیده‌ایم. با این حال، باید پذیرفت که شناخت اندیشه‌های جدید و نوآوری‌های مادی در اقلیم‌های فرهنگی همسان نبوده است به طوری که در محیط‌ها و شرایط گوناگون، به هر دو بُعد ذهنی و عینی فرهنگ جدید به صورت یکسان توجه نشده و حتی درک مشابهی از آن پدید نیامده است. به طور نمونه می‌توان تحولات ایران در سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی را بازخوانی کرد و دریافت که نوآوری‌های دو بخش مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن، در دوره‌ای که مصادف با سلطنت قاجاریان است، به صورت یکسان و همزمان مورد توجه قرار نگرفته و درک درستی از این دو بخش به وجود نیامده است. از این رو، ما همواره در مسیر بازنگری سنت بومی و درک فرهنگ دنیای جدید، میان گذشته، حال و آینده در رفت و آمد بوده‌ایم؛ از یک‌سو، با شتاب در حال گسستن از سنن، آداب و رسوم ملی و آیینی خود هستیم و از سوی دیگر، در شناخت ابتدایی‌ترین نیازها و مسائل خود درمانده‌ایم. گامی برای مجهز ساختن

عقلانیت بومی خود به نیازهای فکری امروزمان بر نمی‌داریم و در پی انطباق دادن تمام امور مادی و غیرمادی خود در یک چارچوب هستیم، در حالی که ابتدا باید مسیر ورود و اشاعه نوآوری‌های مادی و افکار و اندیشه‌های جدید را در جغرافیای فرهنگی کشور خود، مرور کنیم.

نگاهی به تاریخ سده‌های شانزدهم و هفدهم ایران نشان می‌دهد آنچه ما را در شناخت دنیای مدرن، مصمم ساخت، جنگ‌ها و شکست‌های پیاپی از روس و از دیگر سو، تشدید رقابت بریتانیا، روس، هلند و پرتغال، جهت تسلط بر خلیج فارس بود. زوال فرهنگی و اقتصادی کشور در قرن نوزدهم نیز دامنه بحران‌های موجود را وسیع‌تر ساخت و نواندیشان هیئت حاکمه را به بررسی علل شکست‌ها، ریشه عقب‌ماندگی‌ها و چاره‌جویی واداشت. اما آنها، در آن شرایط زمانی، با مشاهده شکست‌های پی در پی و درک ضرورت خلاصی یافتن از انسداد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تلاش‌های اصلاح‌گرایانه‌ای را انجام دادند که صرفاً بر بُعد مادی فرهنگ مدرن متمرکز بود.

تمایل شاهان قاجار در پرداختن به روزنامه و روزنامه‌نگاری، از مهمترین عرصه‌های ورود ما به قلمرو جهان مدرن به حساب می‌آید که با وجود دسترسی به نشریات اروپایی، روزنامه را در مقام یکی از معرفی‌کنندگان محصولات جدید قرار داد. بنابراین، مقاله حاضر به بازخوانی مؤلفه‌ها یا عناصر فرهنگ مادی و غیرمادی در دو نشریه عصر قاجار، به منزله یکی از ارکان آشنایی ایرانیان با تحولات و محصولات تمدنی دنیای جدید می‌پردازد. مقطع زمانی مورد بررسی نیز دو دهه اول و سوم از حکومت ناصری است که در دهه اول آن، نخستین نشریه منظم ایران منتشر می‌شود و در دهه سوم نیز نخستین نشریه فارسی زبان خارج از کشور به چاپ می‌رسد. پرسش‌های اصلی عبارتند از این که: مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن در مطبوعات مورد بررسی چگونه منعکس شده‌اند و آیا بین نشریات مورد بررسی تفاوتی وجود دارد؟ همچنین چگونگی جهت‌گیری مطبوعات مورد بررسی نسبت به این مؤلفه‌ها مطالعه

خواهد شد. عدم توجه محققان به نشریات پیش از دوره مشروطه به عنوان یکی از منابع نشر اندیشه‌های نوین از عواملی است که انجام چنین پژوهشی را ضروری می‌سازد.

ادبیات تحقیق

الف- بررسی وضعیت ایران و مطبوعات در دوره زمانی مورد بررسی:

جمعیت ایران در ابتدای قرن نوزدهم حدود ۶ میلیون نفر بود که نیم یا یک سوم آن در شهرها و روستاها سکونت داشتند و مابقی را صحرانشینان، ایلات و طوایف گوناگون پراکنده در مناطق شمال، غرب و جنوب غربی کشور تشکیل می‌دادند. ۲۰ درصد از جمعیت یکجانشینان به شهرها (۸۰۰ هزار نفر) و ۸۰ درصد بقیه به ۲۰ هزار روستا (۳ میلیون نفر و ۲ میلیون نفر صحرانشین) اختصاص داشت (Issawi, 1971: 20 & Bahrier, 1971: 40). از این رو، اقتصاد کشور بر مدار کشاورزی و دامداری می‌چرخید در شرایطی که به دلیل فقدان سیستم حمل و نقل، نداشتن جاده خاکی و راه آبی، امکان انتقال محصولات کشاورزی و دامی به سراسر کشور و بهره‌گیری از همین ظرفیت اندک هم وجود نداشت. راه‌ها، مالرو بود؛ راه آبی قابل کشتیرانی به جز رود کارون وجود نداشت که امتیاز کشتیرانی در آن هم در سال ۱۸۸۰ به انگلیسی‌ها اعطا شد. از خط راه‌آهن تا اوایل قرن بعد خبری نبود. روستاهای ایران حتی آنها که به شهر نزدیک بودند از نظر اقتصادی کاملاً خودکفا و بسته عمل می‌کردند به طوری که تا اواسط قرن ۱۹ کالاهای خارجی و مصرفی جدید مثل محصولات نساجی انگلستان هنوز به وادی آنها نرسیده بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۸). وضعیت اسفناک بهداشت، وقوع بیماری‌های واگیردار مثل وبا (۱۲۷۰ هـ.ق)، قحطی‌های مکرر (مانند قحطی بزرگ ۱۸۷۰م) و مرگ و میر گسترده مردم، بیسوادی عمومی، خرافه‌باوی، زورگیری، رشوه‌گیری، فقدان عرق ملی و حس وطن پرستی، تنبلی و بیکاری عمومی، نبود قانون مدون و عدم انتظام امور قضایی در سراسر کشور، خلاصه شدن فرهنگ عمومی در برگزاری شعائر مذهبی مانند:

تعزیه و روضه‌خوانی به‌ویژه در ایام محرم، و تأکید مردم بر پرهیز از فعل حرام، ضعف نظام اقتصادی^۱، عدم امنیت کشور و نبود امنیت عمومی^۲، محدود بودن آموزش به تعلیم و تربیت در مکتبخانه‌ها و مدارس مذهبی، تصویری است که از ایران اوان قرن نوزدهم در کتاب‌های گوناگون تاریخی ترسیم شده است (تاجبخش، ۱۳۷۷: ۴۲۵؛ مراغه‌ای، ۱۳۸۴: ۲۲۹، ۱۴۱ و ۱۱۲).

در همین دوره، پاره‌ای اقدامات متجددانه و اصلاح‌گرایانه در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی رخ می‌دهد که مهمترین آنها اقدامات متجددانه امیرکبیر است. امیرکبیر که طی سال‌های ۱۸۲۸/۱۲۴۴-۱۸۲۹ اولین سفر به اروپا (ایروان) را برای عذرخواهی رسمی از قتل سفیر روسیه در ایران، و دومین سفر را به سال ۱۸۳۷/۱۲۵۳ م همراه ناصرالدین میرزا به ارزروم و سومین سفر را طی سال‌های ۱۲۶۳-۱۸۴۸/۱۲۵۹-۱۸۴۴ برای شرکت در کنفرانس ارزروم تجربه می‌کند، دستور می‌دهد تعدادی کتاب از زبان اروپایی به فارسی ترجمه: و منتشر شود که نخستین آنها، شامل اطلاعات جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی درباره سراسر جهان بوده است؛ عده‌ای از

۱- به نوشته ملک‌م. ای. یاپ، ایران در آغاز سده نوزدهم، از نظر اقتصادی، مرحله کشاورزی را تجربه می‌کرد و محصولات کشاورزی نیز تنها مصرف محلی داشت و تا پایان این سده که با پیشرفت‌های صنعتی غرب آشنا شد، از نظر اقتصادی از مرحله پیشاصنعتی فراتر نرفت (Yapp, 1977). جان فوران هم به تصریح تأکید دارد که تا پیش از قرن هجدهم و به طور دقیق‌تر از سال‌های اوج حکومت صفویان تا برآمدن قاجار در سده نوزدهم، تغییر خاصی در شیوه تولید رخ نداد به گونه‌ای که در سال ۱۶۳۰ میلادی، شیوه‌های تولید اقتصادی ایران از سه شیوه تولید دهقانی مبتنی بر سهم‌بری از محصول (۵۵-۴۵ درصد)، عشایری (۴۰-۳۳ درصد)، و خرده‌کالایی (۱۵-۱۰ درصد) تشکیل می‌شد (فوران، ۱۹۸۹: ۹۵).

۲- دزدی‌های مکرر در ولایات، حمله راهزنان به کاروان‌ها، شورش و حمله ترکمانان، وقوع جنگ‌های مکرر همچون جنگ با خان خیوه (۱۲۷۰ یا ۱۲۷۱ ه.ق)، شورش ترکمانان تکه و سالور (اواخر ۱۲۷۶ ه.ق)، حمله انگلیس به جنوب ایران پس از فتح هرات (۱۲۷۳ ه.ق)، شورش کشف (قدیانی، ۱۳۸۷: ۸۴)، از جمله حوادثی بود که همواره حکومت را به اقدام برای تأمین امنیت کشور در سطح بین‌المللی و داخلی وامی‌داشت و گاه، ضرورت به‌روزرسانی امکانات نظامی را یادآور می‌شد. در این زمینه می‌توان به ایجاد کارخانه تفنگ‌سازی در تهران برای ساخت تفنگ‌های خانداد (۱۲۷۵ ه.ق) پس از "قیام سالار" اشاره کرد.

صنعت‌کاران را به سال ۱۲۶۷ هـ.ق، برای آموختن صنایع گوناگون (کاغذسازی، بلورسازی، چدن‌ریزی، تصفیه شکر و قندسازی، نجاری و چرخ‌سازی) به عثمانی و روسیه اعزام می‌کند که در بازگشت، کارخانه‌هایی را به راه می‌اندازند؛ همزمان، کارخانه‌های دیگری هم شامل ریسمان‌ریسی، چلواریافی، حریربافی، شکرریزی، بلورسازی، و چینی‌سازی در تهران و برخی شهرستان‌ها احداث می‌شود و با ابلاغ فرمان آزادی استخراج معادن برای همه ایرانیان اعم از ارباب و رعیت و معافیت مالیاتی تا ۵ سال، حمایت از اقتصاد داخلی جان می‌گیرد. اما بحران‌های اقتصادی متعدد، یکبار در سال ۱۸۲۰ و بار دیگر در دو دهه ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰ گریبانگیر کشور می‌شود که نخستین آن‌ها را امیرکبیر از طریق تغییر در نظام اداری و مالیاتی (تعیین حقوق ثابت برای شاه، تثبیت مقرری درباریان، ایجاد موازنه بین بودجه کشور و هزینه‌های دولت) متوازن می‌سازد و بحران بعدی، به‌خصوص زیر فشار عوامل خارجی، کارخانه‌های بسیاری (کارخانه‌های تولید کاغذ، شیشه، پارچه، ذوب آهن، و تصفیه شکر) را در آستانه ورشکستگی قرار می‌دهد (فوران، ۱۹۸۹: ۹۱).

در زمینه فرهنگی، اصلاحات با تأسیس دارالفنون (۱۲۶۸ هـ.ق، ۱۸۵۲ م)، استخدام معلمان خارجی، تدریس صنایع و علوم جدید (علوم تجربی، فیزیک، شیمی، طب جدید)، ترجمه: کتاب‌های درسی، انتشار ترجمه‌ها به صورت پاورقی در روزنامه‌ها، ایجاد نخستین آموزشگاه‌های مدرن و مدارس خارجی (مدارس لازاریست‌ها در دهه ۱۸۴۰، در اصفهان و حومه آن، جلفا، و در دهه ۱۸۶۰، مدارس دخترانه راهبه‌های سن‌ونسان دوپل در تبریز و اصفهان، مدارس آلیانس فرانسه در تهران و تبریز، مدرسه سن‌لویی در تهران) شکل می‌گیرد. برای سامان‌دادن به امنیت عمومی جامعه نیز وزارت عدلیه در سال ۱۸۳۴م/ ۱۲۱۳ هـ.ش تشکیل می‌شود اما دایره نفوذ آن محدود به تهران

۱- ترجمه ژول ورن و داستان‌های کاپیتان آلتراس توسط اعتمادالسلطنه (۱۲۸۸-۱۸۷۱ م) یا ترجمه تاریخ حمزه توسط ابن حسن اصفهانی در روزنامه علمی (۱۲۹۷-۱۲۹۳/ ۱۸۸۰-۱۸۷۶ م)؛ ترجمه نمایشنامه‌های اروپایی.

است و در شهرستان‌ها قدرت چندانی ندارد. جامعه در امور اصناف و روستاها به ترتیب با اتکا به رؤسای اصناف، ریش سفیدها و خان‌ها به حل مسائل قضایی می‌پردازد و در شهرها، قضات دادگاه‌های شرعی (روحانیون و شیخ‌الاسلام‌ها در باب دعاوی شخصی و مدنی) و دادگاه‌های عرفی (نمایندگان دولت با عنوان حکیم) به جرائم عمومی رسیدگی می‌کنند (مستوفی، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۰۰). در زمینه ارتباطی، به جز انتشار روزنامه، نخستین خط تلگراف بین کاخ گلستان و مدرسه دارالفنون (سال ۱۲۷۲ هـ.ق) برقرار می‌شود و سپس بین تهران و سلطانیه، و بعدها تا تبریز و جلفا ادامه می‌یابد.

سال‌های ۱۲۷۸-۱۲۷۵ هـ.ق از این دوران نیز به "دوره ترقی‌خواهی" مشهور است که طی آن، کتابچه قواعد مجلس مصلحت‌خانه با دستخط و فرمان ناصرالدین شاه و چند رساله انتقادی (دفترچه تنظیمات ملکم خان، شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران)، جزوه‌ای در افزایش ثروت، دو مقاله بلند یکی در تأسیس شورای دولت، دیگری در ترقی صنعت و تجارت، نوشته می‌شود که چون بر ضرورت اصلاح و ترقی تأکید داشتند، می‌توان آن‌ها را نشانه تحول اندیشه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست (آدمیت، ۱۳۸۵: ۲۸). با این حال، پس از این دوره سه ساله، با به قدرت رسیدن میرزا آقاخان نوری و مخالفت او با فرهنگ و تمدن جدید، دوره‌ای موسوم به "فترت" آغاز می‌شود که هفت سال به طول می‌انجامد. پس از آن، در دوره صدارت سپهسالار و بر اساس اصلاحات او، "دارالشورای ملتی" تشکیل و "هیئت وزرای سه‌گانه" شکل می‌گیرد (۱۲۹۱-۱۲۹۰ هـ.ق) و طرح جدید مجلس وزیران برای نخستین بار در سال ۱۲۹۸ هـ.ق ارائه می‌شود. این درحالی‌است که در اروپا از تشکیل کابینه وزرا و مجالس موسوم به مبعوثان ملتی، یا همان پارلمان، سال‌ها می‌گذرد و در عثمانی، همسایه غربی ایران هم مجلس مبعوثان ملت در ولایات این امپراطوری، ایجاد و قانون اساسی تدوین و تصویب شده است. طی همین دوره، اصلاحات دیگری از سوی کشورهای اروپایی، به‌ویژه روس بر عثمانی تحمیل می‌شود و آن مبتنی بر لزوم برابری اقلیت‌های دینی با

بیشتریت مسلمان این کشور است و همین امر به بهانه‌ای برای آتش‌افروزی روس علیه عثمانی تبدیل شده و درگیری نظامی در منطقه رخ می‌دهد.

آنچه گفته شد، درباره وضعیت ایران در سال‌های مورد بررسی بود، اما به لحاظ روزنامه‌نگاری، باید دانست که وجود واژه‌های روزنامه، روزنامه‌چه و روزنامه‌چه در ادبیات کهن ایران همچون اشعار ناصر خسرو، حافظ، انوری، از قدمت روزنامه در ایران حکایت دارد. به علاوه، در دربار تیموریان، مغولان، صفویه، افشاریه، و تا سال‌های نخست حکومت ناصرالدین شاه، به تاریخ‌نگاری، واقعه‌نویسی و یا واقعه‌نگاری اطلاق می‌شده است. به عبارت دقیق‌تر، کسانی با منصب درباری وقایع‌نگار، گزارش‌های روزانه را نوشته و به شاه ارائه می‌کردند. اما درباره روزنامه‌نگاری، تحفه‌العالم شوشتری (۱۲۱۶ هـ.ق) (۳۷ سال پیش از انتشار کاغذ اخبار) از وجود آن در "بنگاله" هند، و همچنین آزادی مطبوعات و کارکردهای روزنامه (ثبت دقیق تاریخ وقایع و جلوگیری از تحریف تاریخ) خبر داده بود (شوشتری، ۱۳۶۳). در سفرنامه "حیرت نامه سفر" که میرزا ابوالحسن‌خان ایلچی، طی سال‌های ۲۶-۱۲۲۴ هـ.ق نوشته بود نیز به نقش آگاهی‌رسانی این رسانه و درآمدزایی آن برای دولت اشاره شده بود و میرزا صالح شیرازی هم در سفرنامه خود به همین کارکردهای روزنامه پرداخت که نوشتار او سال‌ها پس از بازگشت به کشور، جامه عمل پوشید و کاغذ اخبار متولد شد. در واقع، روزنامه‌نگاری ایران، برخلاف روزنامه‌نگاری هند که عوامل کمپانی هند شرقی و انگلیسی‌های مقیم هند، آن را به منظور تأمین منافع استعماری خود، و با اتکا بر سنت جافتاده روزنامه‌نگاری انگلیسی، پایه‌ریزی کردند، در مدنیت جدید ریشه نداشت و از سنت وقایع‌نگاری ایران متولد شد.^۱

۱- البته روزنامه‌نگاری هند از وقایع‌نگاری ایران نیز تأثیر پذیرفته است چراکه اخبارات هند، شکلی از واقعه‌نویسی معمول دربار ایران بود که از فرهنگ ایران به هند انتقال یافته بود به طوری که بیشتر واقعه‌نویسان یا واقعه‌نگاران دربار هند هم ایرانی تبارها بودند (برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: پروین، ۱۳۷۷: ۶۴-۶۲).

نگاهی به تاریخ گویای آن است که نخستین نشریه فارسی زبان ما، کاغذ اخبار، در ۲۵ محرم ۱۲۵۳ هـ ق (۱ مه ۱۸۳۷ م)، در دوره حکومت محمدشاه قاجار و توسط یکی از دانشجویان ایرانی چاپ شد که طی حکومت پادشاه پیشین (فتحعلیشاه) و توسط ولیعهد تجددخواه او (عباس میرزا) برای تحصیل به انگلیس اعزام شده بود. کاغذ اخبار که با چاپ سنگی، روی کاغذ نه چندان مرغوب خان‌بالغ^۱، به صورت ماهانه، روی یک ورق و شامل دو صفحه بزرگ منتشر می‌شد، در صفحه نخست خود به انعکاس "اخبار ممالک شرقیه" می‌پرداخت که شامل اخبار "دارالخلافة طهران" بود و از این جهت، سنت واقع‌نویسی برای دربار را تداعی می‌کرد با این تفاوت که از حالت تک نسخه خارج شده و صورت عمومی یافته بود.^۲ صفحه دیگر شامل "اخبار ممالک غریبه" بود که خبرهایی از انگلند، ینگه دنیا، ترکیه، ایتالیا و... در آن درج می‌شد.

روزنامه‌نگاری به شیوه کاغذ اخباری، تا سه سال ادامه یافت؛ سپس ۱۴ سال متوقف بود و بعدها در دوره ناصری، به سال ۱۲۶۷ هـ ق (۱۲۲۹ هـ ش) روزنامه "اخبار دارالخلافة طهران" منتشر شد و از شماره دوم به بعد، وقایع اتفاقیه نام گرفت. وقایع اتفاقیه با همت میرزا تقی خان امیرکبیر منتشر شد که معتقد بود "عوام نمی‌دانند که مصرف و حسن این وقایع اتفاقیه در چیست؛ یا خیال می‌کنند که دیوانیان عظام شروع به این کرده‌اند به جهت منافع و مداخل". درحالی که او انتشار این روزنامه را "به جهت تربیت خلق" و "عالم" شدن آنها از "امور دیوانی و اخبار و مناسبات دول و منافع خاص و عام و مقتضیات عصر" می‌دانست و می‌گفت: "این روزنامه منصبی نیست که به کسانی که از دیوان اعلی اسامی ایشان تعیین شده، به این‌ها برسد و به دیگران نرسد". این سخن، بیانگر مرز میان واقع‌نگاری و روزنامه‌نگاری از دیدگاه امیرکبیر و تعبیر

۱- کاغذ خان‌بالغ، کاغذی از جنس برنج بوده که در خان‌بالغ چین می‌ساخته‌اند و آن را "ورق صینی" و "قرطاس صینی" هم گفته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۷۲۲). از دیگر انواع مهمترین کاغذهای مورد استفاده در گذشته می‌توان به کاغذهای سمرقندی، ختایی، دولتشاهی، کشمیری، اصفهانی، و فرنگی اشاره کرد.

۲- از شمارگان و مخاطبان آن اطلاعی در دست نیست.

وضعیت از تولید گزارشی تک نسخه‌ای ویژه دربار به نشریه‌ای با شمارگان بیش از یک نسخه و برای عموم است. در شماره هفتم نشریه نیز درباره هدف حکومت از انتشار روزنامه می‌خوانیم:

"از آنجا که همت خسروانی اعلیحضرت پادشاهی مصروف به تربیت اهالی و اعیان و رعایا و تجار و سکنه دولت خود است که بر دانش و بینش آنها بیفزاید و از گزارش داخله و خارجه خیردار باشند لهذا به انطباق روزنامه و انتشار آن به ممالک محروسه فرمایش علیه فرمودند و امید کلی هست که به واسطه این روزنامه‌ها اطلاع و آگاهی و دانائی و بینائی اهالی این دولت علیه بیشتر شود" (۱۷) جمادی الاول ۱۲۶۷).

با این حال، اخبار و مسائل سیاسی اروپا که در قالب بولتن محرمانه‌ای برای شاه تهیه می‌شد، راه به وقایع اتفاقیه نمی‌برد چرا که آگاهی نسبت به چنین اخبار و مسائلی را "برای عامه ایرانیان"، "مصلحت" نمی‌دانستند (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۲۵۰). در مقابل، آنچه از نظر دولت برای جامعه مفید به نظر می‌رسید، مانند صورت اجناس مورد نیاز مردم با نرخ رسمی دولتی و اخبار پیشرفت تحصیلی محصلان اعزامی به فرنگ یا دارالفنون در اختیار عموم قرار می‌گرفت. اخبار داخلی وقایع اتفاقیه را از "گزارش‌های حکام و مأمورین ولایات" و اخبار خارجی را از روزنامه‌های خارجی و گزارش سفیران ایران در سایر کشورها استخراج می‌کردند. در واقع، این نشریه با مباشرت کارکنان وزارت خارجه منتشر می‌شد.

در سال ۱۲۷۶ هـ.ق، گروهی از تحصیلکردگان که نشریه دولتی را به حال کشور و مردم نافع نمی‌دیدند، درخواست امتیاز چاپ نشریه‌ای غیردولتی کردند. با این درخواست موافقت نشد تا این که طی دهه سوم حکومت ناصری، نشریه اختر در اسلامبول شکل گرفت و نخستین شماره آن، در پنج‌شنبه ۱۶ ذیحجه ۱۲۹۲ هـ.ق (۱۳ ژانویه ۱۸۷۶ م) به نویسندگی میرزا مهدی اختر منتشر شد (محیط‌طباطبایی، ۱۳۶۶: ۸۲). "اختر" با حمایت میرزا محسن خان معین الملک، سفیر ایران در عثمانی تأسیس

شد. مدیریت نشریه را محمدطاهر تبریزی، یکی از تاجران مقیم استانبول، و سردبیری آن را میرزا نجفعلی خان خویی (مترجم و نایب سفارت ایران) بر عهده داشتند. اختر مدتی نیز از حمایت دولت عثمانی برخوردار بود به طوری که از سال ۱۲۹۴ هـ ق اداره نشریه به صورت شرکت درآمد و چند تبعه عثمانی هم در آن شریک شدند (آدمیت، ۱۳۸۵: ۴۰۸).

درباره هدف گردانندگان اختر از انتشار این نشریه در نخستین شماره آن آمده است که "این گزرت^۱ از حوادث گوناگون و از سیاسیات و پلتیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت. هر گونه مواد مفیده عامه مجاناً قبول و طبع خواهد شد". همچنین "حصول و اکمال اعتدال مطلق" در وطن با "تکمیل لوازم حسن مناسبات داخلی و خارجی اجزای وطن و تحصیل اسباب اتفاق افکار حقیقی در میان ساکنان آن ملک" از دیگر اهداف اختر ذکر شده و از آن جهت که این نشریه، "بی هیچ ملاحظه منظور شخصی"، در پی "بیان جهات حصول اعتدال و استقامت، به طور مطلق، و مقدمات و اصول و فروع این مقصد مقدس" است می‌کوشد بدون انحراف از این مقصد، از "حوادث و وقایع مناسبه و یومیه و از مسائل شرقیه و از تجارت و علم و ادب و از سیاسیات و هرگونه مواد نافع" سخن گوید. همین مرام و مسلک، اختر را به نشریه پیشگام در طرح برخی مباحث مانند: رویدادهای پارلمان‌های کشورهای گوناگون دنیا به خصوص اروپا، مسائل حقوقی کشورها در سطح بین‌المللی، قوانین تجارت، آزادی اندیشه، آزادی مطبوعات، برابری زن و مرد، اهمیت تعلیم و تربیت به ویژه برای زنان و نقش این امر در پیشرفت جامعه، و ترجمه: و چاپ قانون اساسی عثمانی تبدیل کرد. به علاوه، برخی مورخان، نقش اختر را در تنویر افکار ایرانیان طی سال‌های حکومت قاجار مهم دانسته و معتقدند چنین جرایدی، زمینه را برای پیدایش انقلاب مشروطه فراهم آوردند (صدرهاشمی به نقل از ادوارد براون، ۱۳۶۳: ۶۳). از جمله نویسندگان

اختر می‌توان به شیخ احمد روحی، میرزا حسن خبیرالملک، میرزا یوسف خان تبریزی و میرزا آقاخان کرمانی اشاره کرد که از منتقدان استبداد ناصری بودند. به‌طور نمونه، میرزا یوسف خان تبریزی، رساله "یک کلمه" را در باب اهمیت قانون نوشت و میرزا آقاخان کرمانی، با انتشار تعدادی از مقالات انتقادی خود در اختر، به انتقاد از وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه پرداخت و مطبوعات را هم به مهمترین وظیفه آنها یعنی "آگاهی‌بخشی"، "افشاگری حقایق" و نظارت بر عملکرد وزرا و صاحب منصبان رهنمون ساخت (ناطق، ۱۳۵۵: ۸۶؛ نصر، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

ب- بررسی مفاهیم اصلی

تعاریف و دیدگاه‌های گوناگونی پیرامون هر یک از مفاهیم فرهنگ و تمدن بیان شده‌است که می‌توان دست کم آنها را به دو دسته تقسیم کرد؛ نخست، عده‌ای که فرهنگ و تمدن را مترادف در نظر گرفته‌اند و تنها گستره این دو را متفاوت می‌دانند. در میان اینها، برخی فرهنگ را عام و گسترده‌تر از تمدن در نظر می‌گیرند و تمدن را خاص و جزئی از این کل تلقی می‌کنند (رویگرد اروپایی - آمریکایی) و برخی دیگر، تمدن را عام و فرهنگ را جزئی از تمدن، و بدین ترتیب، تمدن را سنگ بنای فرهنگ در نظر می‌گیرند (رویگرد برخی متفکران ایرانی، انگلوساکسون‌ها و آلمان‌ها).

در دومین دسته، دیدگاه کسانی را می‌توان قرار داد که بین فرهنگ و تمدن، تمایز قائل شده و فرهنگ را ایدئولوژی و مظاهر معنوی (ارزش‌های اجتماعی) و تمدن را عناصر مادی و عینی جامعه (واقعیات زندگی) تشخیص داده‌اند. با بررسی هر دو دسته نظرات، می‌توان فرهنگ و تمدن را با مرز ظریفی از یکدیگر جدا کرد، و آنها را بازشناخت. فرهنگ در بستر تمدن پیش می‌رود؛ به پالایش می‌رسد و بر بافتی که در آن جریان دارد، تأثیر می‌گذارد. از این روست که گفته می‌شود جامعه روستایی ممکن است از فرهنگ برخوردار باشد اما نمی‌توان آن را متمدن نامید. از آن رو که بیشتر تعاریف بیان‌شده درباره فرهنگ، دو وجه نظری و عملی برای فرهنگ قائل‌اند، نمی‌توان فرهنگ

را صرفاً مقوله‌ای فکری و ارزشی دانست بلکه می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که فرهنگ از دو وجه مادی و معنوی تشکیل می‌شود که وجه مادی آن در مظاهر زندگی اجتماعی، و وجه معنوی آن در اندیشه، اخلاق و ارزش‌ها نمود می‌یابد.

اگر همزمان با تحولات مادی و حاکم شدن عقلانیت ابزاری بر جامعه، تحول لازم در بخش غیرمادی فرهنگ (افکار، ارزش‌ها، باورها و هنجارها) نیز روی دهد و اصطلاحاً عقلانیت ذهنی همراه با عقلانیت ابزاری بر تمام عرصه‌های اجتماع جاری شود، گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن رابه صورت متعادل ممکن خواهد کرد (فراستخواه، ۱۳۸۹؛ آبرکرامی، ۱۳۷۰: ۲۴۶).

ج- بحث نظری

۱- ج- نظریه نشر نوآوری‌ها

پایه‌های نظری مطالعات اشاعه در اوایل سال ۱۹۰۰ با این پرسش گذاشته شد که آیا ایده‌ها در هر فرهنگ، به‌طور مستقل از سایر فرهنگ‌ها پرورش و تکامل می‌یابند یا از فرهنگی به فرهنگ دیگر اشاعه پیدا می‌کنند؟ از دیدگاه‌های مطرح در این باره، نظریه اورت راجرز است. او نوآوری را فکر، تصور، یا ایده‌ای تعریف می‌کند که از نظر تصمیم‌گیرنده، اقتباس "نو" تلقی می‌شود (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۱۲) و از طریق مجاری ارتباطی معینی، به مرور زمان، در میان اعضای یک نظام اجتماعی انتقال می‌یابد. بدین ترتیب، نوآوری، مجاری ارتباطی، گذر زمان، و اعضای نظام اجتماعی، چهار عنصر اصلی فرایند اشاعه را تشکیل می‌دهند که طی یک فرایند ذهنی پنج مرحله‌ای شامل آگاهی (مواجهه با نوآوری و شناخت ماهیت و کارکردهای آن)، علاقه (کسب اطلاعات بیشتر در مورد آن نوآوری)، ارزیابی (تصمیم‌گیری ذهنی فرد درباره سازگاری یا عدم سازگاری نوآوری با ارزش‌ها، تجارب گذشته و نیازهای حال و آینده او)، آزمون (تصمیم‌گیری فرد به تجربه نوآوری در مقیاس محدود) و پذیرش (تصمیم‌گیری فرد به

استفاده از نوآوری به طور کامل) (ملکات و استیوز، ۱۳۸۸: ۱۶۲) شناخته و در مورد آن تصمیم‌گیری می‌شود.

نقش رسانه‌ها و مجاری ارتباطی فراملی در مرحله آگاهی نسبت به یک نوآوری از اهمیت خاصی برخوردار است به طوری که اگر مطابق دیدگاه راجرز، افراد را به لحاظ نرخ پذیرش یک نوآوری، به پنج دسته نوآوران، پذیرندگان اولیه، اکثریت اولیه، متأخر و کندروها تقسیم کنیم، نوآوران که تنها ۲/۵ درصد افراد را در منحنی توزیع نرمال اشاعه نوآوری‌ها تشکیل می‌دهند بیش از سایرین دارای روابط فراملی هستند و پذیرندگان اولیه که ۱۳/۵ درصد افراد را در برمی‌گیرند به لحاظ رفتار رسانه‌ای، بیشتر از رسانه‌های گروهی و مجاری ارتباطی فراملی بهره می‌گیرند درحالی که اکثریت اولیه، متأخرها و به‌ویژه کندروها به مجاری درون نظام اجتماعی (ارتباطات محلی) وابسته‌اند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۱۵-۳۱۴ و ملکات و استیوز، ۱۳۸۸: ۱۶۵-۱۶۴). در مجموع، تأکید این نظریه بر انتشار ایده‌ها از منبع بیرونی در سطح جوامع سنتی و اهمیت ارتباطات در فرایند نوسازی اجتماعات محلی است و بر اساس مطالعات اشاعه نوآوری‌ها، تأثیر مجاری ارتباطی - اعم از رسانه‌ای یا میان فردی - بر تغییر شیوه زندگی از سنتی به مدرن، به اثبات رسیده است (ملکات و استیوز، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

۲-ج- نظریه تأخر فرهنگی

طبق این نظریه، انسان برای پاسخگویی به نیازهای ناپایدار خود، با اتکا به فهم و خلاقیت فردی و فرهنگ جامعه خویش، نوآوری می‌کند و اگر این نوآوری با نیازها و توان جامعه متناسب باشد، به سرعت پذیرفته می‌شود؛ با شدت نفوذ می‌کند؛ گسترش می‌یابد و بارور می‌شود (انباشتگی فرهنگی) و در غیر این صورت، به دست فراموشی سپرده خواهد شد. ضمن این که، نوآوری تنها درون زا و خاص یک جامعه نیست و

ممکن است به صورت تراوش فرهنگی^۱ از جامعه‌ای به جامعه دیگر نفوذ کند. بنابر اصل پیوستگی فرهنگی^۲ اگر جامعه، "نیازمند تحول" و "آماده تحول" باشد، تراوش فرهنگی به سرعت صورت می‌گیرد و جامعه، عناصر فرهنگی مورد نیاز خود را از جوامع دیگر، کسب و با سرعت بیشتری تغییر می‌کند. با این حال، از این منظر میان دو دسته عناصر فرهنگ تفاوت وجود دارد به طوری که آهنگ تغییر و نفوذ در عناصر مادی فرهنگ (ابزارها و اشیاء عینی، قابل مشاهده و ملموس نظیر منابع طبیعی، اختراعات بشر، فناوری‌ها) سریع‌تر و شدیدتر از عناصر غیرمادی (دستاوردهای غیرعینی و ناملموس بشر همچون زبان، خط، آداب و رسوم و مناسبات انسانی) است. نوآوری‌ها در هر دو زمینه یعنی فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی روی می‌دهد و این دو بر هم تأثیر متقابل دارند (فرهنگ انطباقی) اما نوآوری‌های مادی مؤثرتر هستند و "محرك اصلی حرکت جامعه" محسوب می‌شوند (عضدانلو، ۱۳۸۶: ۴۴۸؛ اگ برن و نیم‌کف، ۱۳۴۷: ۳۹۰-۳۸۸). به طور مثال، پیدایش صنایع نوین، افزایش جمعیت شهرهای صنعتی را در پی داشت؛ تولید اقتصادی از خانواده به کارخانه سپرده شد؛ وظایف اداری و اقتصادی حکومت گستره بیشتری یافت؛ قدرت دستگاه‌های دینی رو به زوال رفت و اجتماعات ارتباط بیشتری با یکدیگر پیدا کردند. همه این موارد نشانگر تأثیر دامنه‌داری است که ابداع نوآوری‌های مادی بر جامعه و به طور خاص، بر فرهنگ غیرمادی داشته است (اگ برن و نیم‌کف، ۱۳۵۷: ۴۷۳ و ۴۶۹). اگ برن (۱۹۵۷) مراد خود از تأخر فرهنگی را چنین بیان می‌کند:

تأخر فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که یکی از دو بخش فرهنگ که به هم وابسته و مرتبط هستند، پیش از دیگری و یا بیش از دیگری تغییر کند به طوری که میان دو بخش سابق، ناسازگاری یا عدم انطباق پدید آید (Kraus II, 2002).

1. cultural diffusion
2. cultural continuity

نمونه‌ای از این پس افتادگی فرهنگی در عرصه مطبوعات دیده می‌شود هنگامی که نشریات منظم، صنعت چاپ و الزامات سخت‌افزاری تولید مطبوعات به جامعه‌ای وارد می‌شود اما تحولات مربوط به بخش غیرمادی آن، همچون آزادی، قانون‌مندی و فضای مطلوب برای گفت‌وگو و انتقادگری شکل نمی‌گیرد.

چارچوب مفهومی تحقیق

چارچوب مفهومی این تحقیق بر اساس دو بخش اصلی فرهنگ شامل: عناصر مادی و غیرمادی، شکل گرفته و الگوی مفهومی هر یک از آن‌ها بر اساس ادبیات و مبانی نظری تحقیق در دو شکل جداگانه (۱ و ۲) ترسیم شده است. به طور خلاصه، نوگرایی و نوجویی در بخش مادی فرهنگ در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رخ می‌دهد و مؤلفه‌های خاص خود را دارد و می‌تواند از جوامع دیگر، از جمله جوامع مدرن اخذ شود، در حالی که تحولات در بخش غیرمادی فرهنگ که مربوط به اندیشه‌ها و باورهاست، از درون رخ می‌دهد و بر پایه دگرگونی بنیان‌های فکری و معرفتی و بازاندیشی و بازنگری در سنت‌ها شکل می‌گیرد. مؤلفه‌های اصلی بخش غیرمادی فرهنگ مدرن بر پایه خودآگاهی و عقلانیت انتقادی (باور به مرجعیت خرد انسان در پاسخگویی به تمام نیازها و دستیابی او به سعادت)، علم‌گرایی (اعتقاد به آزمون‌پذیری تمام ساحت‌های زندگی در چارچوب روش علمی)، پیشرفت‌باوری (اعتقاد به پیشرفت مستمر و مبتنی بر علم و خرد بشر در طی تاریخ)، انسان‌گرایی (باور به محوریت انسان در جهان)، فردگرایی (اعتقاد به اصالت و اولویت فرد و منافع او نسبت به جمع)، برابری‌گرایی (اعتقاد به برابری انسان‌ها به‌خصوص در امور اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی)، آزادی‌گرایی (اعتقاد به آزاد بودن انسان‌ها در زمینه‌های گوناگون)، سنت‌ستیزی (نفی هر گونه تفکر و تجربه سنتی و رسوم

گذشتگان) و دنیاگرایی (باور به حاکمیت مطلق انسان و نفی دین و مذهب) قرار دارد. مطابق نظریه نشر نوآوری‌ها یک نوآوری از مجاری ارتباطی که می‌تواند رسانه یا ارتباطات میان‌فردی باشد، در گذر زمان میان اعضای یک نظام اجتماعی شناخته می‌شود و همانطور که نظریه تأخر فرهنگی نیز اذعان می‌دارد، این نوآوری می‌تواند به صورت درون‌زا و مبتکرانه پدید آمده و خاص همان جامعه و فرهنگ باشد یا به صورت تراوش فرهنگی، و بر اساس نیازهای یک جامعه، از جامعه‌ای دیگر برگرفته شده باشد. طبق نظریه نشر نوآوری‌ها، مجاری ارتباطی، در مرحله آگاهی نسبت به یک نوآوری از اهمیت برخوردارند و در پذیرش یا طرد نوآوری‌ها، فرد، بر اساس تجزیه و تحلیل ذهنی خود عمل می‌کند.



شکل ۱- الگوی مفهومی و برجسته‌ترین مؤلفه‌های آن



شکل ۲- الگوی مفهومی و برجسته‌ترین مؤلفه‌های آن

روش‌شناسی تحقیق

برای بررسی تطبیقی نحوه انعکاس مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن در دو نشریه وقایع‌اتفاقیه و اختر از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شده است. تمام شماره‌های وقایع‌اتفاقیه، به عنوان تنها نشریه فارسی زبان داخل کشور طی سال‌های (۱۲۷۵-۱۲۶۵ هـ.ق) و تمام نشریاتی که طی دهه (۱۲۹۷-۱۲۸۷ هـ.ق) در ایران منتشر شده و دست کم ۱۲ شماره از آنها در دسترس بوده (اختر، ایران، نظامی، علمی، روزنامه ملتی) جمعیت آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. از هر دهه، یکسال را به قید قرعه انتخاب و از آن سال نیز با نمونه‌گیری سیستماتیک، ۱۲ شماره را به صورت تصادفی انتخاب می‌کنیم که معرف کل محتوای یک سال هر نشریه خواهد بود (لیسی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۸۷). بنابراین از وقایع‌اتفاقیه سال ۱۲۶۹ هـ.ق و اختر سال ۱۲۹۴ هـ.ق، هر کدام، ۱۲ شماره انتخاب و تحلیل محتوا شد. رابطه بین متغیرها با استفاده از آمار استنباطی و

محاسبه آزمون کای اسکوتر بررسی شده و نتایج در قالب جداول دو بعدی ارائه شده است. در مواردی که امکان سنجش رابطه متغیرها و مقایسه آنها به دلیل تعداد کم فراوانی‌ها وجود نداشته، نتایج در قالب جداول توصیفی بیان شده است. برای سنجش میزان پایایی نتایج تحقیق در مورد تمام متغیرها ضریب قابلیت اعتماد مطابق فرمول ویلیام اسکات محاسبه شده و چون مقدار ضریب بدست آمده، بیش از ۸۰ درصد بوده است، می‌توان به نتایج تحقیق اعتماد کرد.

تعریف متغیرها

- نام نشریه مورد بررسی: ۱. وقایع اتفاقیه ۲. اختر

- سبک مطلب: هر یک از مطالب به لحاظ سبک در یکی از فرم‌های رایج روزنامه‌نگاری کدگذاری شده‌اند:

۱. خبر: شامل اخبار داخلی و خارجی در زمینه‌های گوناگون است که با اصطلاحاتی همچون اخبار داخله، اخبار داخله ممالک محروسه، وقایع و اخبار مملکت، وقایع و اخبار دارالمرز، اخبار ممالک خارجه، ترجمه: روزنامه پاریس، ترجمه: روزنامه دولت انگلیس، وقایع حالیه انگلستان، دیگر ممالک، و نظایر این‌ها منتشر شده‌اند.

۲. گزارش: برخی اخبار در نشریات قاجار بیش از آن که خبر باشند به گزارش شبیه هستند و گزارش‌هایی نیز از مطبوعات خارجی منتشر شده‌اند که با تعریف گزارش همخوانی دارند.

۳. مقاله: شامل مقاله، سرمقاله، نقد، تحلیل و تفسیر، و یادداشت است.

۴. اعلان: بانام‌های اعلان‌نامه، اعلام‌نامه، اعلام دولتی، اعلانات در زمینه‌های گوناگون فرهنگی (مانند اعلانات مدارس)، سیاسی (اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های دولت)، اجتماعی (اعلانات مربوط به امور خیریه یا عام‌المنفعه) منتشر می‌شده است.

۵. مکتوبات: شامل نامه‌های خوانندگان (با نام مراسلات، مکتوبات، عریضه و نظایر آن) و پاسخ نشریه به آنهاست.

۶. سایر: هر مطلبی که در سبک‌های یادشده نگنجد مانند: جملات قصار، تبریک و تسلیت، تصحیح و تکذیب، که در این مقوله قرار گرفته‌اند.

- محتوای مطلب: "اصطلاح کلی به معنای هر نوع مسئله که می‌تواند موضوع یک مطلب در روزنامه‌نگاری قرارگیرد" (محمدی‌فر، ۱۳۷۸: ۳۸۰). در این پژوهش هر یک از مطالب بر حسب این که به چه مسئله‌ای پرداخته‌اند، در یکی از کدهای ۱- سیاسی (مراودات سیاسی در سطح داخلی و خارجی)؛ ۲- اقتصادی (مالیات، گمرک، اشتغال، معیشت، شیوه‌های تولید و کسب و کار، قیمت اجناس، فلاح، معادن، تجارت و نظایر آن)؛ ۳- نظامی (جنگ، تجهیزات و شیوه‌های نظامی و نظایر آن)؛ ۴- اجتماعی (امنیت اجتماعی، بهداشت عمومی) و ۵- فرهنگی (باورها و اعتقادات عمومی، فعالیت‌های فرهنگی در زمینه آموزشگاه‌ها و مدارس، تعلیم و تربیت، و نظایر آن) قرار گرفته‌اند.

- پرداختن مطلب به عناصر فرهنگ مدرن: هر یک از مطالب از نظر پرداختن به عناصر فرهنگ مدرن اعم از ۱- عناصر مادی (ابزارآلات، فناوری‌ها، دستاوردهای مادی جهان مدرن) و ۲- عناصر غیرمادی (ارزش‌ها، باورها و هنجارهای جهان مدرن) کدگذاری شده‌اند. اگر مطلبی حاوی هر دو نوع عنصر بوده، در کد ۳، هر دو، قرار گرفته و اگر هیچ یک از این عناصر را نداشته، در کد ۴، هیچ کدام، قرار گرفته است.

- عنصر مادی فرهنگ مدرن در مطلب: اگر مطلبی از لحاظ متغیر پیشین، کد یک یا سه گرفته باشد، نوع عنصر مادی آن در یکی از طبقات ۱- ابزارها و اماکن سیاسی (پارلمان، وزارت امور خارجه، مشورتخانه، مجلس مبعوثان ملتی، انجمن‌های سیاسی از بعد فیزیکی)؛ ۲- ابزارها و اماکن نظامی (تجهیزات نظامی مثل انواع توپ، تفنگ‌های فرنگی، قورخانه)؛ ۳- ابزارها و اماکن اقتصادی (کارخانه‌ها و صنایع، بانک، کمپانی،

ماشین‌آلات کشاورزی)؛ ۴- ابزارها و اماکن فرهنگی (مدارس جدید، مدارس فرنگ، ابنیه و عمارت‌های فرنگی، انجمن‌های فرهنگی از بُعد فیزیکی)؛ ۵- ابزارها و اماکن اجتماعی (ظروف، پوشاک و نظایر آن که جنبه اجتماعی دارند و به سبک زندگی مربوط هستند، تشکل‌های اجتماعی از بُعد فیزیکی)؛ ۶- ابزارها و اماکن ارتباطی (وسائل نقلیه، شبکه‌های ارتباطی و وسائل ارتباط جمعی)؛ ۷- سایر (مطالبی حاوی ترکیبی از عناصر گوناگون مادی) و ۸- بی مورد (مطالب فاقد عناصر مادی فرهنگ مدرن) قرار گرفته‌است.

- عنصر غیرمادی فرهنگ مدرن در مطلب: اگر مطلب در مورد متغیر "پرداختن مطلب به عناصر فرهنگ مدرن"، کد دو یا سه گرفته باشد، در این مورد، در یکی از کدهای زیر قرار می‌گیرد: ۱- عقل‌گرایی (مضامینی که "عقل" - و نه مذهب - را یگانه مرجع اخلاق و ارزش‌ها، و تنها عامل به سعادت رسیدن انسان می‌دانند)؛ ۲- علم‌گرایی (مضامین مبتنی بر نقش علوم تجربی به عنوان ملاک و معیار تشخیص حقیقت)؛ ۳- سنت‌ستیزی (مضامین منافی آداب و رسوم گذشتگان، کلیشه‌ها، ارزش‌ها، و ادراکات قدیمی)؛ ۴- انسان‌گرایی (مضامین مبتنی بر نقش انسان در ساخت جهان مطلوب و لزوم رفع نیازهای او به هر طریق ممکن)؛ ۵- پیشرفت‌باوری (مضامین مبتنی بر ایده پیشرفت، تغییر، اصلاحات، به ویژه در امور سیاسی، پیشرفت و بهبود وضعیت جامعه)؛ ۶- فردگرایی (مضامین دال بر تقدم فرد انسانی بر جمع، منفعت‌طلبی فردی، مالکیت فردی، خودپرستی، لذت و شادمانی فردی، خودتصمیم‌گیری، خود بهبودبخشی، تحقق اهداف فردی)؛ ۷- برابری‌گرایی (مضامین دال بر برابری انسان‌ها در زندگی اجتماعی، برابر قانون، برخورداری از حرمت و حقوق انسانی، حق زنان برای برخورداری از حقوق و فرصت‌های اجتماعی مانند تعلیم و تربیت، تحصیل، شرکت در انتخابات، و نظایر آن)؛ ۸- آزادی‌گرایی (مضامین دال بر نفی استبداد اعم از استبداد مذهبی، سیاسی، اقتصادی، پاسخگو بودن دولت، مشارکت سیاسی، آزادی اقتصادی، حق آزادی عقیده، حق آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اقلیت‌ها، انجمن‌ها، شرکت در انتخابات، و نظایر آن)؛ ۹- دنیاگرایی (مضامین دال بر لزوم زدودن دین از عرصه‌های گوناگون زندگی اعم از

سیاست، آموزش و پرورش، اخلاق، و...)؛ ۱۰- بی‌مورد (مطالب فاقد هر گونه عنصر غیرمادی).

- جهت‌گیری نسبت به عناصر فرهنگ مدرن: مطالب حاوی عناصر فرهنگ مدرن به لحاظ جهت‌گیری نسبت به این عناصر در یکی از مقولات ۱- مثبت (حاوی دیدگاه مثبت نسبت به عناصر) ۲- منفی (حاوی دیدگاه منفی نسبت به عناصر)، ۳- خنثی (فاقد هر گونه جهت‌گیری نسبت به عناصر) و ۴- بی‌مورد (فاقد عناصر فرهنگ مدرن) کدگذاری شده‌اند.

سؤال‌های تحقیق

بر اساس چارچوب مفهومی و مباحث پیش‌گفته، سؤال‌های تحقیق عبارتند از:
سؤال ۱- آیا بین دو نشریه مورد بررسی از نظر ساختار و محتوای مطالب تفاوت معناداری وجود دارد؟

سؤال ۲- سهم هر یک از مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن در نشریات مورد بررسی چگونه است و آیا میان آنها از این لحاظ، تفاوت معناداری وجود دارد؟
سؤال ۳- آیا بین نشریات مورد بررسی از نظر جهت‌گیری نسبت به مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن تفاوت معناداری وجود دارد؟

یافته‌های تحقیق

جدول ۱- توزیع فراوانی مطالب برحسب نام نشریه مورد بررسی

ردیف	نام نشریه مورد بررسی	فراوانی	درصد	درصد معتبر
۱	وقایع اتفاقیه	۳۹۰	۳۷,۶	۳۷,۶
۲	اختر	۶۴۷	۶۲,۴	۶۲,۴
	جمع کل	۱۰۳۷	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰

طبق جدول ۱، از جمع ۱۰۳۷ مطلب کدگذاری شده، بیشترین نسبت ۶۲/۴ درصد (۶۴۷ مطلب) مربوط به اختر و کمترین نسبت یعنی ۳۷/۶ درصد (۳۹۰ مطلب) مربوط به وقایع اتفاقیه بوده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی مطالب نشریات مورد بررسی بر حسب سبک

جمع	نام نشریه مورد بررسی		سبک مطلب	
	اختر	وقایع اتفاقیه	تعداد	درصد
۸۱۰	۵۰۹	۳۰۱	تعداد	۱. خبر
%۱۰۰,۰	%۶۲,۸	%۳۷,۲	درصدسطری	
%۷۸,۱	%۷۸,۷	%۷۷,۲	درصدستونی	
۸۵	۱۶	۶۹	تعداد	۲. گزارش
%۱۰۰,۰	%۱۸,۸	%۸۱,۲	درصدسطری	
%۸,۲	%۲,۵	%۱۷,۷	درصدستونی	
۴۷	۳۸	۹	تعداد	۳. مقاله
%۱۰۰,۰	%۸۰,۹	%۱۹,۱	درصدسطری	
%۴,۵	%۵,۹	%۲,۳	درصدستونی	
۷۰	۵۹	۱۱	تعداد	۴. اعلانات
%۱۰۰,۰	%۸۴,۳	%۱۵,۷	درصدسطری	
%۶,۸	%۹,۱	%۲,۸	درصدستونی	
۴	۴	۰	تعداد	۵. مکتوبات
%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۰	درصدسطری	
%۰,۴	%۰,۶	%۰	درصدستونی	
۲۱	۲۱	۰	تعداد	۶. سایر
%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۰	درصدسطری	
%۲,۰	%۳,۲	%۰	درصدستونی	
۱۰۳۷	۶۴۷	۳۹۰	تعداد	جمع
%۱۰۰,۰	%۶۲,۴	%۳۷,۶	درصدسطری	
%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	درصدستونی	

$X^2=105.026$

df=5

p=0.000

با توجه به کای اسکوتر محاسبه شده به میزان ۱۰۵/۰۲۶ با درجه آزادی ۵، رابطه بین دو متغیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و بین دو نشریه از نظر سبک مطلب تفاوت معنادار وجود دارد. از جمع ۳۹۰ مطلب بازخوانی شده وقایع اتفاقیه و ۶۴۷ مطلب اختر، بیشترین نسبت به ترتیب با ۷۷/۲ درصد (۳۰۱ مطلب) و ۷۸/۷ درصد (۵۰۹ مطلب) به سبک خبر اختصاص دارد و کمترین نسبت مطالب در وقایع اتفاقیه، با ۲/۳ درصد (۹ مطلب) مربوط به مقاله و در اختر با ۰/۶ درصد (۴ مطلب) مربوط به مکتوبات است. به علاوه وقایع اتفاقیه، فاقد مطلبی در قالب نامه، یا سایر سبک‌ها مانند کلام بزرگان، تبریک و تسلیت، تصحیح و تکذیب و نظایر آنهاست. با توجه به سطرها نیز اختر بیشترین سهم را از تمام سبک‌ها دارد و تنها در گزارش، سهم وقایع اتفاقیه با ۶۹ مطلب بیش از اختر است که ۱۶ مطلب در قالب گزارش دارد.

جدول ۳- توزیع فراوانی مطالب نشریات مورد بررسی بر حسب محتوای مطلب

جمع	نام نشریه مورد بررسی		محتوای مطلب	
	اختر	وقایع اتفاقیه		
۳۲۴ ٪۱۰۰,۰ ٪۳۱,۲	۲۴۵	۷۹	تعداد	۱- سیاسی
	٪۷۵,۶	٪۲۴,۴	درصدسطری	
	٪۳۷,۹	٪۲۰,۳	درصدستونی	
۸۸ ٪۱۰۰,۰ ٪۸,۵	۴۸	۴۰	تعداد	۲- اقتصادی
	٪۵۴,۵	٪۴۵,۵	درصدسطری	
	٪۷,۴	٪۱۰,۳	درصدستونی	
۲۴۱ ٪۱۰۰,۰ ٪۲۳,۲	۱۷۸	۶۳	تعداد	۳- نظامی
	٪۷۳,۹	٪۲۶,۱	درصدسطری	
	٪۲۷,۵	٪۱۶,۲	درصدستونی	

۲۲۹	۸۷	۱۴۲	تعداد	۴-اجتماعی
%۱۰۰,۰	%۳۸,۰	%۶۲,۰	درصدسطری	
%۲۲,۱	%۱۳,۴	%۳۶,۴	درصدستونی	
۱۵۵	۸۹	۶۶	تعداد	۵-فرهنگی
%۱۰۰,۰	%۵۷,۴	%۴۲,۶	درصدسطری	
%۱۴,۹	%۱۳,۸	%۱۶,۹	درصدستونی	
۱۰۳۷	۶۴۷	۳۹۰	تعداد	جمع
%۱۰۰,۰	%۶۲,۴	%۳۷,۶	درصدسطری	
%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	درصدستونی	

 $X^2=99.706$

df= 4

p=0.000

با توجه به کای اسکوتر محاسبه شده به میزان $99/706$ با درجه آزادی ۴، رابطه بین دو متغیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و بین دو نشریه از نظر محتوای مطلب تفاوت معنادار وجود دارد. از کل مطالب وقایع اتفاقیه، بیشترین نسبت با $36/4$ درصد به امور اجتماعی و سپس با $20/3$ درصد به امور سیاسی اختصاص دارد در حالی که از کل مطالب اختر، بیشترین نسبت با $37/9$ درصد به امور سیاسی و سپس با $27/5$ درصد به محتوای نظامی مربوط است. امور اقتصادی در هر دو نشریه، کمترین انعکاس را دارد. با توجه به سطرها نیز در تمام مقوله‌های محتوایی، به جز امور اجتماعی، اختر بیشترین سهم را دارد و وقایع اتفاقیه به این نوع محتوا (امور اجتماعی) بیشتر پرداخته است.

جدول ۴- توزیع فراوانی مطالب نشریات مورد بررسی بر حسب پرداختن مطلب به عناصر

فرهنگ مدرن

جمع	نام نشریه مورد بررسی		پرداختن مطلب به عناصر فرهنگ مدرن	
	اختر	وقایع اتفاقیه	تعداد	درصد
۲۶۹ ٪۱۰۰,۰	۱۹۳ ٪۷۱,۷	۷۶ ٪۲۸,۳	تعداد	۱. عناصر مادی
			درصدسطری	٪۲۸,۳
			درصدستونی	٪۱۹,۵
۱۸ ٪۱۰۰,۰	۱۵ ٪۸۳,۳	۳ ٪۱۶,۷	تعداد	۲. عناصر غیرمادی
			درصدسطری	٪۱۶,۷
			درصدستونی	٪۰,۸
۸ ٪۱۰۰,۰	۶ ٪۷۵,۰	۲ ٪۲۵,۰	تعداد	۳. هر دو
			درصدسطری	٪۲۵,۰
			درصدستونی	٪۰,۵
۷۴۲ ٪۱۰۰,۰	۴۳۳ ٪۵۸,۴	۳۰۹ ٪۴۱,۶	تعداد	۴. هیچکدام
			درصدسطری	٪۴۱,۶
			درصدستونی	٪۷۹,۲
۱۰۳۷ ٪۱۰۰,۰	۶۴۷ ٪۶۲,۴	۳۹۰ ٪۳۷,۶	تعداد	جمع
			درصدسطری	٪۳۷,۶
			درصدستونی	٪۱۰۰,۰

$\chi^2=19.091$	df= 3	p=0.000
-----------------	-------	---------

با توجه به کای اسکوتر محاسبه شده به میزان ۱۹/۰۹۱ با درجه آزادی ۳، رابطه بین دو متغیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و بین نشريات مورد بررسی از نظر پرداختن مطلب به عناصر فرهنگ مدرن تفاوت معناداری وجود دارد. اکثر مطالب در هر دو نشریه (۷۹/۲ درصد در وقایع اتفاقیه و ۶۶/۹ درصد در اختر) به هیچ یک از عناصر فرهنگ مدرن نپرداخته‌اند و در باقی مطالب نیز عناصر مادی بیش از عناصر غیرمادی منعکس شده‌اند و این نسبت در وقایع اتفاقیه ۱۹/۵ درصد از کل مطالب کدگذاری شده و در اختر، ۲۹/۸ درصد از کل مطالب بازخوانی شده را تشکیل می‌دهد. ارقام درج شده در سطرها نیز نشان می‌دهد که از جمع ۲۶۹ مطلب حاوی عناصر مادی، و از جمع ۱۸ مطلب حاوی عناصر غیرمادی، بیشترین نسبت به ترتیب با ۷۱/۷ درصد (۱۹۳ مطلب) و ۸۳/۳ درصد (۱۷ مطلب) به اختر اختصاص دارد. به علاوه، در ۶ مطلب از اختر و ۲ مطلب از وقایع اتفاقیه به هر دو عنصر مادی و غیرمادی پرداخته شده است.

در مورد فراوانی مطالب نشريات مورد بررسی بر حسب عنصر غیرمادی فرهنگ مدرن در مطلب، از آنجایی که فراوانی‌ها در حدی نیست که با آمار استنباطی و جداول دو بُعدی بتوان به تحلیل روابط متغیرها پرداخت، به ذکر آمار توصیفی هر یک از آنها اکتفا می‌کنیم. از جمع ۳۹۰ مطلب وقایع اتفاقیه، تنها در ۵ مطلب عناصر غیرمادی فرهنگ مدرن قابل بازخوانی بوده‌اند که شامل ۴ مطلب حاوی آزادی‌گرایی و یک مطلب حاوی مؤلفه برابری‌گرایی است. از جمع ۶۴۷ مطلب نشریه اختر، ۲۱ مطلب حاوی عناصر غیرمادی بوده‌اند که سهم آزادی‌گرایی، ۴ مطلب و پیشرفت‌باوری، برابری‌گرایی و قانون‌گرایی، هر کدام سه مطلب بوده و فردگرایی تنها یک مطلب فراوانی داشته است. سایر مؤلفه‌ها (انسان‌گرایی، عقل‌گرایی، دنیاگرایی، سنت‌ستیزی و خرافه‌ستیزی) فاقد فراوانی بوده‌اند. در هفت مطلب نیز ترکیبی از دو یا چند عنصر غیرمادی (برابری‌گرایی و آزادی‌گرایی با یک فراوانی؛ آزادی‌گرایی و قانون‌گرایی با چهار فراوانی؛ آزادی‌گرایی، برابری‌گرایی و قانون‌گرایی با دو فراوانی) قابل تشخیص بوده است.

جدول ۵- توزیع فراوانی مطالب نشریات مورد بررسی بر حسب جهت گیری مطلب نسبت به عناصر فرهنگ مدرن

جمع	نام نشریه مورد بررسی		جهت گیری مطلب نسبت به عناصر فرهنگ مدرن	
	اختر	وقایع اتفاقیه	مثبت	منفی
۵۵	۲۷	۲۸	تعداد	مثبت
%۱۰۰,۰	%۴۹,۱	%۵۰,۹	درصدسطری	
%۰,۳	%۴,۲	%۷,۲	درصدستونی	
۴	۴	۰	تعداد	منفی
%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۰	درصدسطری	
%۰,۴	%۰,۶	%۰	درصدستونی	
۲۳۶	۱۸۳	۵۳	تعداد	خنثی
%۱۰۰,۰	%۷۷,۵	%۲۲,۵	درصدسطری	
%۲۲,۸	%۲۸,۳	%۱۳,۶	درصدستونی	
۷۴۲	۴۳۳	۳۰۹	تعداد	بی مورد
%۱۰۰,۰	%۵۸,۴	%۴۱,۶	درصدسطری	
%۷۱,۶	%۶۶,۹	%۷۹,۲	درصدستونی	
۱۰۳۷	۶۴۷	۳۹۰	تعداد	جمع
%۱۰۰,۰	%۶۲,۴	%۳۷,۶	درصدسطری	
%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	درصدستونی	

$X^2=34.795$	df= 3	p=0.000
--------------	-------	---------

با توجه به کای اسکوئر محاسبه شده به میزان ۳۴/۷۹۵ با درجه آزادی ۳، رابطه بین دو متغیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و بین نشریات مورد بررسی از نظر جهت گیری مطلب نسبت به عناصر فرهنگ مدرن تفاوت معناداری وجود دارد.

از جمع ۳۹۰ مطلب کدگذاری شده وقایع اتفاقیه، بیشترین نسبت با ۲۲/۵ درصد (۵۳ مطلب) دارای جهت گیری خنثی نسبت به عناصر فرهنگ مدرن بوده‌اند و کمترین نسبت با ۷/۲ درصد (۲۸ مطلب) دارای جهت گیری مثبت هستند درحالی که در هیچ مطلبی، جهت گیری منفی دیده نمی‌شود. در نشریه اختر، از جمع ۶۴۷ مطلب بازخوانی شده، بیشترین نسبت با ۲۸/۳ درصد (۱۵۳ مطلب) بدون جهت گیری نسبت به عناصر فرهنگ مدرن به انعکاس این مؤلفه‌ها پرداخته‌اند درحالی که کمترین نسبت از مطالب (۰/۶ درصد یا ۴ مطلب) حاوی جهت گیری منفی نسبت به این مؤلفه‌ها هستند. با توجه به سطرها، دو نشریه تقریباً وضعیت یکسانی در جهت گیری مثبت نسبت به این مؤلفه‌ها دارند به طوری که ۵۰/۹ درصد مطالب وقایع اتفاقیه (۲۸ مطلب) و ۴۹/۱ درصد (۲۷ مطلب) مطالب اختر دارای جهت گیری مثبت هستند. درحالی که به لحاظ جهت گیری منفی، در وقایع اتفاقیه مطلبی با این جهت گیری دیده نشد و ۴ مطلب در اختر دارای این نوع جهت گیری بوده‌اند. از جمع ۲۳۶ مطلب دارای جهت گیری خنثی نسبت به عناصر فرهنگ مدرن بیشترین نسبت با ۷۷/۵ درصد (۱۸۳ مطلب) به اختر و کمترین آن با ۲۲/۵ درصد (۵۳ مطلب) به وقایع اتفاقیه اختصاص دارد.

جدول ۶- رابطه نام نشریه مورد بررسی و عنصر مادی فرهنگ مدرن در مطلب

جمع	نام نشریه مورد بررسی		عنصر مادی فرهنگ مدرن در مطلب	
	اختر	وقایع اتفاقیه	تعداد	
۷۷ ٪۱۰۰,۰	۶۸ ٪۸۸,۳	۹ ٪۱۱,۷	تعداد	۱. ابزارها و اماکن سیاسی
	٪۷,۴	٪۱۰,۵	درصد سطری	
۵۳ ٪۱۰۰,۰	۳۲ ٪۶۰,۴	۲۱ ٪۳۹,۶	تعداد	۲. ابزارها و اماکن نظامی
	٪۵,۱	٪۴,۹	درصد ستونی	

۳۰	۲۲	۸	تعداد	۳. ابزارها و اماکن اقتصادی
%۱۰۰,۰	%۷۳,۳	%۲۶,۷	درصد سطری	
%۲,۹	%۳,۴	%۲,۱	درصد ستونی	
۲۷	۱۵	۱۲	تعداد	۴. ابزارها و اماکن فرهنگی
%۱۰۰,۰	%۵۵,۶	%۴۴,۴	درصد سطری	
%۲,۶	%۲,۳	%۳,۱	درصد ستونی	
۳	۲	۱	تعداد	۵. ابزارها و اماکن اجتماعی
%۱۰۰,۰	%۶۶,۷	%۳۳,۳	درصد سطری	
%۰,۳	%۰,۳	%۰,۳	درصد ستونی	
۶۹	۵۲	۱۷	تعداد	۶. ابزارها و اماکن ارتباطی
%۱۰۰,۰	%۷۵,۴	%۲۴,۶	درصد سطری	
%۶,۷	%۸,۰	%۴,۴	درصد ستونی	
۱۸	۸	۱۰	تعداد	۷. سایر (ترکیبی از عناصر مادی گوناگون)
%۱۰۰,۰	%۴۴,۴	%۵۵,۶	درصد سطری	
%۱,۷	%۱,۲	%۲,۶	درصد ستونی	
۷۶۰	۴۴۸	۳۱۲	تعداد	۸. بی مورد (فاقد عناصر مادی)
%۱۰۰,۰	%۵۸,۹	%۴۱,۱	درصد سطری	
%۷۳,۳	%۶۹,۲	%۸۰,۰	درصد ستونی	
۱۰۳۷	۶۴۷	۳۹۰	تعداد	جمع
%۱۰۰,۰	%۶۲,۴	%۳۷,۶	درصد سطری	
%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	%۱۰۰,۰	درصد ستونی	

$\chi^2=35.491$	df= 7	p=0. 000
-----------------	-------	----------

با توجه به کای اسکوتر محاسبه شده به میزان ۳۵/۴۹۱ با درجه آزادی ۷، رابطه بین دو متغیر در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و بین نشریات مورد بررسی از نظر پرداختن مطلب به عناصر مادی فرهنگ مدرن تفاوت معناداری وجود دارد.

از مجموع ۳۹۰ مطلب وقایع اتفاقیه، بیشترین نسبت با ۵/۴ درصد (۲۱ مطلب) به ابزارها و اماکن نظامی و کمترین نسبت با ۰/۳ درصد (یک مطلب) به ابزارها و اماکن اجتماعی پرداخته‌اند. از مجموع ۶۴۷ مطلب کدگذاری شده اختر، بیشترین نسبت با ۱۰/۵ درصد (۶۸ مطلب) مربوط به ابزارها و اماکن سیاسی و پس از آن با ۸ درصد (۵۲ مطلب) مربوط به ابزارها و اماکن نظامی است و کمترین نسبت هم با ۰/۳ درصد (۲ مطلب) به ابزارها و اماکن اجتماعی اختصاص دارد. تفاوت اصلی میان نشریات در سطرها دیده می‌شود به طوری که بیشترین سهم از عناصر غیرمادی در زمینه‌های گوناگون مربوط به نشریه اختر است و در مواردی چشمگیرتر است. به طور نمونه، از ۷۷ مطلب حاوی ابزارها و اماکن سیاسی، اختر با ۸۸/۳ درصد (۶۸ مطلب) بیشترین سهم را نسبت به وقایع اتفاقیه (۱۱/۷ درصد یا ۹ مطلب) دارد. از جمع ۳۰ مطلبی که به ابزارها و اماکن اقتصادی پرداخته‌اند هم اختر ۷۳/۳ درصد (۲۲ مطلب) را به خود اختصاص داده‌است و از جمع ۶۹ مطلب حاوی عناصر مادی مربوط به ابزارها و اماکن ارتباطی، بیشترین سهم با ۷۵/۴ درصد (۵۲ مطلب) متعلق به اختر و ۲۴/۶ درصد (۷ مطلب) مربوط به وقایع اتفاقیه است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش بر مبنای تحلیل محتوای کمی دو نشریه دوره ناصری در یک بستر تاریخی مربوط به دو دهه ۱۲۶۵-۱۲۷۵ هـ ق و ۱۲۹۷-۱۲۸۷ هـ ق به بررسی چگونگی بازتاب مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن در مقاطعی از این سالها پرداخته تا به شناختی از نخستین زاویه ورود ایرانیان به مباحث جهان مدرن دست یابد. در این

پژوهش، مطبوعات به این دلیل که از پیشگامان اطلاع‌رسانی پیرامون جهان مدرن بودند و از آن روی که محتوای آنها را می‌توان همچون آینه، بازتاب‌دهنده تصویر جامعه و به نوعی، تاریخ مدون و گویای هر کشوری دانست، برای تحلیل انتخاب شده‌اند.

در این بررسی مشخص شد که مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن طی دو دوره زمانی در دو نشریه وقایع اتفاقیه و اختر، تا حدودی متفاوت بوده، همانطور که ساختار و محتوای این مطبوعات نیز متحول شده‌است. در واقع، نتایج مؤید جوه تمایز دو نشریه در ساختار و محتوای مطالب، و چگونگی بازتاب مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن است. اگرچه به لحاظ ساختار، بیشتر مطالب دو نشریه، در قالب خبر تنظیم شده‌است، اما وقایع اتفاقیه، سهم بیشتری از مطالب تنظیم شده در سبک گزارش دارد و در اختر، مقالات و مطالب تحلیلی بیشتری به چاپ رسیده‌است. ضمن این که، مکتوبات خوانندگان در اختر منعکس شده ولی در وقایع اتفاقیه، مطلبی با چنین سبک و سیاق دیده نمی‌شود. همچنین به لحاظ محتوا، عمده مطالب وقایع اتفاقیه به امور اجتماعی پرداخته‌اند که بیانگر تمایل حکومت به انعکاس اقدامات انجام شده در راستای تأمین نظم و امنیت اجتماعی و بهداشت عمومی است، اما در اختر، مطالب با محتوای سیاسی انعکاس بیشتری دارند که به دلیل پرداختن این نشریه به مناسبات سیاسی کشورها است و می‌توان آن را به برخورداری اختر از فضای نسبتاً آزادتر برای فعالیت مطبوعاتی مرتبط دانست.

از سوی دیگر، عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن که آنها به ترتیب و بر اساس چارچوب مفهومی تحقیق، کمتر بازتابی در دو نشریه داشته‌اند، تقریباً در یک پنجم از مطالب وقایع اتفاقیه و یک سوم از مطالب اختر، قابل بازخوانی بوده‌اند. جهت‌گیری نسبت به همین عناصر (اعم از مادی و غیرمادی) بیشتر از خنثی بوده است که نشان می‌دهد هدف اصلی نشریات از پرداختن به این عناصر یا انعکاس مطالبی از این دست، اطلاع‌رسانی بوده است. از میان مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن، مؤلفه‌ها یا عناصر مادی سهم بیشتری نسبت به عناصر غیرمادی فرهنگ مدرن در محتوای هر دو

نشریه داشته‌اند اما سهم مقوله‌ها در دو نشریه یکسان نیست به طوری که ابزارها و اماکن مربوط به سیاست در اختر و تجهیزات و اماکن نظامی در وقایع اتفاقیه سهم بیشتری داشته‌اند و همچنین، عناصر مرتبط با امور ارتباطی (وسائل نقلیه، شبکه‌های ارتباطی و وسائل ارتباط جمعی) در هر دو نشریه، پس از مقوله‌های یادشده، در درجه بعدی اولویت انعکاس قرار داشته‌اند که می‌توان آن را نشانگر نیازهای اجتماعی در برهه تاریخی مورد بررسی دانست. دومین فرض، به ویژگی‌های جامعه، رسانه و طبقه حاکم باز می‌گردد مبنی بر این که چون نقش مطبوعات در اطلاع‌رسانی، از جمله درباره تازه‌های فکری و فنی، تحت تأثیر خط‌مشی گردانندگان رسانه، میزان برخورداری رسانه از استقلال، و شرایط و ویژگی‌های جامعه و مخاطبان، و قدرت سنت‌های به ارث رسیده، قرار دارد، لازم است همواره در تحلیل یافته‌های تحقیقات به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی توجه شود.

ضمناً نتایج تحقیق با مدعای نظریه اشاعه نوآوری‌ها قابل توضیح است که نقش رسانه‌ها را به مرحله اطلاع‌رسانی پیرامون یک نوآوری محدود می‌سازد و تصمیم‌گیری درباره پذیرش یا طرد آن را وابسته به ذهنیت فرد و تجربه فردی می‌داند. همچنین از نظریه تأخر فرهنگی که خود با تقسیم‌بندی جوامع به عقب‌مانده و پیشرو، به نوعی تداعی‌گر نظریه‌های استعماری است، مفهوم تراوش فرهنگی می‌تواند، توجیه‌کننده نتایج تحقیق باشد به این معنا که نوآوری‌ها خاص یک جامعه نیست و می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر انتقال یابد.

تأملی بر نتایج این مطالعه، نکات مهم دیگری را مطرح می‌کند از جمله این که در دوره‌های بعدی بویژه در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه و پس از آن، چه رویکردی در بازتاب مؤلفه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ مدرن در مطبوعات کشور قابل بازخوانی است و آیا بین مطبوعات از این نظر تفاوتی وجود داشته‌است؟ البته پاسخ به این پرسش‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹)، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه: محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- آبرکرامبی، نیکلاس و دیگران. (۱۳۷۰)، *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه: حسن پویان، تهران: چاپخش.
- آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۷۸)، *چیستی مفاهیم: بازخوانی انتقادی تاریخ معاصر ایران*. (گفت‌وگو)، *هفته‌نامه شهروند امروز*، سال سوم، شماره ۵۸.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۸۵)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون*. (عصر سپهسالار)، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
- آگ برن، ویلیام و نیم کف، ام. اف. (۱۳۴۷)، *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه: ا. ح. آریانپور، تهران: افست.
- آگ برن، ویلیام و نیم کف، ام. اف. (۱۳۵۷)، *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه: ا. ح. آریانپور، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، چاپ یازدهم.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۵۴)، *فرهنگ و شبه فرهنگ*، تهران: توس.
- انوری، حسن. (۱۳۸۲)، *فرهنگ فشرده سخن*، ج ۱ و ۲، تهران: سخن.
- پروین، ناصرالدین. (۱۳۷۷)، *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان*، جلد اول: پیدایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تاجبجش، احمد. (۱۳۷۷)، *تاریخ تمدن و فرهنگ در دوره قاجار*، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- خزائل، حسن. (۱۳۸۴)، *فرهنگ ادبیات جهان*، جلد سوم، تهران: نشر کلبه.
- دهخدا. (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، مجلد ۵، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- روزنامه وقایع اتفاقیه. (۱۷ جمادی الاول ۱۲۶۷)، شماره هفتم.

- رهبری، مهدی. (۱۳۸۶)، "نخبگان و شکل‌گیری گفتمان توسعه در ایران"، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال نهم، ش ۲۲.
- سورین، ورنی جی و تانکارد، جیمز دیلو. (۱۳۸۱)، نظریه‌های ارتباطات، تهران: دانشگاه تهران.
- صدرهاشمی، محمد. (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: کمال.
- شوشتری، میرعبداللطیف. (۱۳۶۳)، تحفه العالم و ذیل التحفه، به اهتمام صمد موحد، تهران: کتابخانه طهوری.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۶)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نی، چاپ دوم.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۹)، "مدرنیته ایرانی و پنج مغالطه" (متن تحریر یافته سخنرانی در نشست علمی دانشجویی)، ویژه‌نامه شرق (۱۳۸۹ / ۶ / ۱۸).
- فوران، جان. (۱۹۸۹)، "مفهوم توسعه وابسته، کلید اقتصاد سیاسی ایران در عصر قاجار"، ترجمه: علی طایفی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۱، شماره ۶۰ و ۵۹.
- قدیانی، عباس. (۱۳۸۷)، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره قاجاریه، تهران: مکتوب، چاپ چهارم.
- لیبی، استفان و دیگران. (۱۳۸۹)، "حجم نمونه برای تحلیل محتوای روزنامه‌ها در مطالعات چندساله"، ترجمه: شعبانعلی بهرامپور، رسانه: فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، شماره ۶۸.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۵۴)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی‌فر، محمدرضا. (۱۳۷۸)، فرهنگ روزنامه‌نگاری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بازتاب مؤلفه‌های فرهنگ مدرن در مطبوعات . . . ۱۸۱

- محیط طباطبائی، محمد. (۱۳۶۶)، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: بعثت.
- مراغه‌ای، حاج زین‌العابدین. (۱۳۸۴)، سیاحت نامه ابراهیم بیک، به کوشش م. ع. سپانلو، تهران: آگه.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۶)، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، تهران: هرمس.
- ملکات، سرنوس. آر و استیوز، لزی. (۱۳۸۸)، ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه: شعبانعلی بهرامپور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ناطق، هما. (۱۳۵۵)، روزنامه قانون، تهران: امیرکبیر.
- نصر، عباس. (۱۳۸۶)، "آزادی، قانون و مجلس در نگاه روزنامه اختر"، مجله یاد، سال بیست و سوم، شماره ۸۴.
- Bahrier, Julian. (1971). **Economic Development in Iran 1900- 1970**, Oxford University Press, U. K.
- Charon, Joel M. (1986). **Sociology: A Conceptual Approach**. Boston: Allyn and Bacon.
- Charon, Joel M. (2002). **The Meaning of Sociology: A Reader** (2 th ED.). Englewood Cliffs : Prentice-Hall
- Henslin, James M. (2004). **Essentials of Sociology, A Down-to-Earth Approach** (5th Ed.) Boston: Allyn & Bacon.
- Issawi, Charles. (1971). **The Economic History of Iran 1800- 1914**, The University of Chicago Press, U. S.
- Kraus-II, John F. (2002). "Cultural Lag or Cultural Drag :The Impact of Resource Depletion on Social Change in Post-Modern Society", Retrieved November 19, 2010, from: <http://www.mercer.edu/sociology>
- Robertson, Ian. (1989). **Society: A Brief Introduction**. New York: Worth Publishing.

- Schaefer, Richard T. and Lamm , Robert P. (1992). **Sociology** (4 th ED.) , New York: McGraw-Hill.
- Upadhyay, Vijay S. and Pandey, Gaya. (1993). **History Of Anthropological Thought**, New Delhi: Concept Publishing Company.
- Yapp, Malcom E. (1977). “1900-1921: The Last Years of the Qajar Dynasty”, in Hossein Amirsadeghi, ed. , Twentieth Century Iran ,London: Heinemann.

Archive of SID